درس روش شناسی تفسیر اثری سه جلسه پایان سال

دانشجویان محترم ضمن آرزوی سلامتی برای شما

1. مقاله روش شناسی تفسیر پیامبر ( پیوست ) مطالعه شود
2. مقاله گونه ها و روش های تفسیری امام علی علیه السلام که از خودم چاپ شده مطالعه شود

 **روش های تفسر واژه ای توسط رسول الله (ص)**

**چکیده**

نبی مکرم اسلام با آغاز نزول قرآن با توجه به فرمان الهی وظیفه ی توضیح و تببین آیات الهی را بر عهده داشتند ، و وایشان این مسئلولیت محوله را به گونه ها و روش های مختلفی به انجام رسانده اند ، تا برای مخاطبان مختلف قابل فهم باشد ، هدف از نگارش این مقاله دستیابی به روش های تفسیری است که ایشان در بیان معنای برخی از واژه ها و لغات به کار برده اند که شناخت آنها ما را در فهم صحیح آیات الهی یاری می رساند .

مقاله ی حاضر به روش توصیفی –تحلیلی با رویکرد قرآنی –روایی ابتدا با پژوهش در منابع فریقین روایات تفسیری را بررسی نموده و سپس به صورت موردی تفسیر ایشان از واژگان کلام الله را گزینش کرده است و پس از تتبع در میان اینگونه روایات چنین نتیجه گرفته شده است که پیام آور وحی الهی با توجه به فضای حاکم بر جامعه اسلامی و فهم افراد مختلف آیات قرآن کریم را تفسیر و تببین نموده اند و در این بین برای تفسیر واژگان مشکل و مورد سوال روش های را از قبیل توضیح ، وصف کلمه ای با حالات و صفات آن ، توسعه بخشیدن به معانی لغات ، بیان تاویلی و ... اقدام نموده ، و در برخی از موارد با استمداد از خود قرآن کریم به بیان تفسیر واژه ای می پرداختند ، که به طور خلاصه به آنها می پردازیم .

واژگان کلیدی : رسول الله (ص) ، تفسیر واژه ای

 **مقدمه**

با توجه به این که یکی از حکمت های معجزات الهی بر رسولان تفوق و مقابله معجزه ی نبی بر موکدات جامعه و عصر آن رسول بوده است و آن هم به جهت پذیرش هرچه بهتر توحید ویگانگی خداوند بوده است ، معجزه ی حضرت محمد (ص) نیز در عصری که فن بیان و سخنوری مورد توجه ویژه ی اعراب قرار گرفته بود ، کتابی بود که از هر نظری اعلا بود و اعجاز داشت ، از لحاظ فساحت و بلاغت نیز به حدی زیبا و روشمند بود که موجب شگفتی همگان شد ، که بر ادبیات آن روز برتری یافت ، که این معجزه ی الهی با کلام فصیح و بلیغ رسول گرامی اسلام اولین و برترین مفسرقرآن تبیین و تفسیر شد و دیگر بار کلام الهی در قالبی دیگر و در بیان رسولش مزین شد.

حضرت محمد (ص) به عنوان پیام بر وحی آسمانی علاوه بر انتقال پیغام الهی مسئولیت تبیین و تفسیر آن را نیز بر عهده داشت خداوند به این مسئولیت بزرگ در قرآن در ذیل آیه ی « وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ‏ لِلنَّاسِ‏ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل /44) اشاره می فرماید و رسول خود را موظف به این مهم می نماید تا به واسطه ی این کتاب آسمانی مردم به تفکر واداشته شوند ، و به سعادت و کمالی که خداوند برای آنها مد نظر داشته دست یابند . رسول الله (ص) با توجه به مخاطبان مختلف از نظر درجات علمی و شعور و همچنین با توجه به شرایط و موقعیتی که درآن قرار داشته اند به این وظیفه ی محوله عمل نمودند با بررسی روایات تفسیری که از ایشان در منابع تفسیری فریقین یافته می شود می توان گفت که ایشان بیشتر اوقات به تفسیر واژه ای یا چندین واژه از یک آیه پرداخته اند و گویا این روش بیشتر در مواردی کاربرد داشته که ظاهر آیه روشن به نظر می رسیده و نیاز به توضیح بیشتری نبوده ، بلکه فقط با بیان معانی واژگان دشوار مفهوم آیه روشن می شده و در واقع این روایات حکم ترجمه را دارند.(خاکپور ،1390 ،ص25 ؛رستمی ، 1380، ص190)

با توجه به این وظیفه محوله که به عنوان بخشی از رسالت ایشان بود این سوال پیش می آید که رسول الله برای انجام وظیفه شان ، به طور خاصه تبیین و تفهیم معانی متعالی واژه های قرآنی از چه روش هایی بهره برده اند؟

رسول گرامی اسلام برای انتقال هرچه بهتر کلام الهی طبق دستور الهی به تبیین و تفسیر این معجزه ی آسمانی پرداخته اند و از روش های مختلفی بهره برده اند که برخی از این روش ها ناظر و منحصر به واژه ها و لغات مشکل قرآن می باشد که از جمله این روش ها می توان به بیان توصیفی و توضیحی برخی واژگان ، استفاده از تمثیلات و تشبیهات ادبی ، توسعه و گسترش معنای واژها برای درک بهتر ، بیان معانی که امکان دسترسی مخاطب عادی به آن متصور نیست و در واقع ایشان به معنای باطنی و ورای ظاهر پرداخته اند . و ... اشاره نمود .

**پیشینه ی پژوهش**

تاجایی که نگارنده بررسی نموده است در رابطه با تفسیر واژه ای توسط رسول الله (ص) پژوهش مستقیمی یافت نشد اما آثاری با رویکردهایی دیگر به رشته ی تحریر در آمده از جمله مقاله ای با عنوان« تبیین واژگان آیات قرآن توسط عترت در روایات تفسیری اهل سنت» ( خاکپور ، 1390) که به بررسی سنخ ها وروش های مورد استفاده ائمه علیه اسلام در تبیین واژگان از جمله تبیین ظاهری ، تاویلی ، و مصداق یابی برای واژه های مشکل ، و تبیین در قالب توصیف و توضیح واژگان و ... پرداخته است ، مقاله ی دیگری با عنوان روش شناسی تفسیری واژگانی اهل بیت با محوریت روایات تفسیری اصول الکافی (راد ، خوشدونی ،1396 ) که در این مقاله به بررسی روایات تفسیری واژه محور یا معنا شناخت ، سپس به روش هایی که اهل بیت علیهم السلام در معنا شناسی واژ گان به کار برده اند پرداخته و در ذیل عنوانی دیگر به تحلیل روش ها در روایات تفسیری اصول کافی روی آورده و سپس به رویکردهایی که مولف (کلینی ) در بیان این روایات مد نظر داشته است و در آخر به ذکر فواید و آثار بررسی و تحلیل این روایات را بیان نموده است . همچنین مقاله ای با عنوان « کاوشی پیرامون واژه ی جلاله الله » (راد ، 1384) که در این مقاله به طرح عناوینی همچون ساختار لفظی واژه ی جلاله الله ، بررسی ریشه ی « اله » در زبان های سامی و ترکی از نگاه زبانشناسان و همچنین به بیان حوزه ی معنایی این واژه و در ادامه به ارتباط مفهوم تفسیری جلاله با اسم اعظم پرداخته است

**1-بیان ظاهری**

گاهی رسول الله در تفسیر و تبیین واژه ای از آیات قرآن بر اساس کاربرد آن در ادبیات عرب و اصول عقلانی حاکم بر محاورات بین اعراب به بیان معنای ظاهر یک واژه می پرداختند .

**2-1-توضیح واژگان بر اساس زبان و ادبیات عرب**

در این نوع از تفسیر حضرت ختمی مرتبت معنای ظاهری یک واژه را با استفاده از کاربرد آن در استعمال عرب چه با استفاده از معنای لغوی آن در گنجینه لغات و چه از طریق حمل و توضیح آن بر اساس قواعد نحوی ودستور زبان ، بیان و تفسیر می نمودند .

در زبان و ادبیات عرب به خاطر حساسیت ویژه ای که نقش کلمات دارند اصول و قواعد حاکم بر زبان و ادبیات بسیار مورد توجه قرار می گیرد و فهم صحیح از نقش کلمات بر بیان معنای مورد نظر گوینده کمک شایانی می کند.

رسول الله (ص) بر اساس قواعد نحوی به تفسیری ظاهری « والعصر » پرداخته اند عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص:وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسانَ لَفِي خُسْرٍ فَقُلْتُ: بِأَبِي‏ َأنْتَ‏ وَ أُمِّي‏ يَا رَسُولَ‏ اللَّهِ‏ مَا تَفْسِيرُهَا فَقَالَ: وَ الْعَصْرِ قَسَمٌ مِنَ اللَّهِ، أَقْسَمَ رَبُّكُمْ بِآخِرِ النَّهَار (حسکانی ، 1411ه.ق ، ج2 ،481) در تفسیر این آیه ایشان با بیان نقش کلمه « والعصر » بر مقصود خداوند که تاکید بر خسران و زیان بودن انسان است مخاطب را آگاهی داده اند .

در حدیث دیگری رسول بزرگوار اسلام به بیان معانی ظاهری و لغوی کلمات فقیر ، یتیم و اسیر پرداخته اند . عن أبي سعيد الخدري عن النبي (عليه السلام) وَ يُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلى‏ حُبِّهِ مِسْكِيناً قال‏: «فقيرا» وَ يَتِيماً قال: «لا أب له» وَ أَسِيراً قال: «المملوك و المسجون» (ثعلبی ، 1422ه.ق ،ج10 ،ص96) و لغات مورد نظر را را با توجه به کاربرد و استفاده ای که در زبان و ادبیات عرب داشته اند معنا نموده اند .

از رسول خدا (ص)در بیان معنای واژه ی «صور» در آیه ی « وَ نُفِخَ‏ فِي‏ الصُّورِ»چنین روایتی نقل شده است : قال النبي صلّى اللّه عليه و سلّم: «هو قرن ينفخ فيه‏» شاخی که درآن دمیده می شود . که در اینجا نیز با بیان معنای ظاهری واژه ی صور ایشان ابهامی که به واسطه ی این واژه بر کل عبارت سایه انداخته است را رفع نمودند.

(صنعانی ، 1411ه.ق ،ج2 ،ص142 ؛ ابن جوزی ، 1422ه.ق ،ج2 ،ص45)

 **2-2-تبیین بر اساس کاربرد متکلم**

گاه معنای بسیاری از سخنان مبهم گوینده که ممکن است به واسطه ی مطلق ، عام ، مجمل بودن ، منسوخ شدن و... پیش آید با رجوع به گفته ها و سخنان متکلم در موقعیت های دیگر به دست آورد و بین سخنان متکلم پیوند برقرار نمود تا معنا و مقصود سخنانش برای شنونده قابل فهم و هضم باشد این شیوه در مورد قرآن توسط حامل وحی حضرت محمد (ص) برای اولین بار انجام شد ، و اصطلاحا به روش تفسیر قرآن به قرآن مشهور شد که این نوع از قدیمی ترین و با سابقه ترین روش های تفسیری است که از زمان شخص رسول الله (ص) بوده ، در روایات ایشان به چشم می خورد و بعدها نیز در میان عترت و اهل بیت ایشان استمرار پیدا کرد .

رسول الله (ص) با توجه به آیات 20سوره یاسین و آیه ی 28 غافر دوتن از صدیقان را معرفی نمودند و در ادامه نیز برترین صادقان عالم و بهترین ایمان آوردگان به خدا و رسولش را مولای متقیان امام علی علیه اسلام را به همگان می شناساند وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ- وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ‏(حدید /19)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ الصِّدِّيقُونَ ثَلَاثَةٌ: حَبِيبٌ النَّجَّارُ مُؤْمِنُ آلِ يَاسِينَ [الَّذِي‏] قَالَ:« يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ‏»(یس/20) وَ حِزْقِيلُ مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ‏ [وَ] هُوَ الَّذِي- قَالَ: « أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ، وَ قَدْ جاءَكُمْ بِالْبَيِّناتِ مِنْ رَبِّكُمْ‏ »(غافر /28)وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الثَّالِثُ وَ هُوَ أَفْضَلُهُمْ. (حسکانی ، 1411ه.ق ، ج3 ، ص303) ایشان واژه ی صدیق که یک واژه ی عام است و ممکن است مصادیق بسیاری برای آن متصور شود را با خاص کردن آن تعداد زیادی از گزینه های دیگر را از دایره ی شمولیت آن خارج نماید

صاحب کشف البیان در ذیل آیه ی « وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إِلَّا هُوَ » روایتی تفسیری از پیامبر (ص) نقل می نماید که بر اساس همین قاعده ی تفسیری می باشد.

عبد الله بن عمر از نبی مکرم اسلام حضرت محمد (ص)نقل می فرمایند : «مَفاتِحُ الْغَيْبِ‏ خمس ... إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ يَعْلَمُ ما فِي الْأَرْحامِ وَ ما تَدْرِي نَفْسٌ ما ذا تَكْسِبُ غَداً وَ ما تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (ثعلبی ، 1422ه.ق ، ج4 ،154) ایشان مفهوم واژه ی « مفتاح غیب » را با توجه به آیه ی فوق مصادق یابی نمودند .

شخصی از رسول الله (ص) درباره ی واژه ی «ظلم » پرسید و ایشان با کمک آیه 13سوره لقمان به تفسیر این واژه پرداختند.

عن النبي صلّى اللّه عليه و سلّم: قوله تعالى في سورة الأنعام:زمانی که آیه ی 82انعام نازل شد« الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِكَ لَهُمُ‏ الْأَمْنُ‏ وَ هُمْ‏ مُهْتَدُونَ‏ [الآية: 82] لما نزلت هذه الآية (شق ذلك على الناس فقالوا: يا رسول اللّه، أينا لا يظلم نفسه؟ قال: «إنه ليس الذي تعنون أ لم تسمعوا ما قال العبد الصالح: يا بُنَيَّ لا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ‏ [لقمان: 13]،

واژه ی « ظلم » در این آیه به صورت مطلق بیان شده است ، به همین دلیل گستره ی مصادیق و معنای آن بسیار گسترده تر باشد و کوچکترین خطا و گناهی را شامل می شود و این موجب نگرانی و مضطرب شدن برخی از افراد شد که با مراجعه به رسول گرامی اسلام وتفسیری که ایشان با توجه به آیه ی 13 لقمان بر این آیه وارد نمودند این ترس و اضطراب به امید آوری مبدل شد

(صنعانی 1411ه.ق،ج1 ،ص24 )

 نبی مکرم اسلام با استفاده از همانندی و مشترکاتی که میان دو آیه وجود داشته ، واژه ی عضین در آیه ی ذیل را تبیین نمودند.«الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ‏ » اخرج الطبراني فى الأوسط عن ابن عباس قال سال رجل رسول اللّه صلى اللّه عليه و سلم قال أ رأيت قول اللّه تعالى‏« كَما أَنْزَلْنا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ‏ » مانند یهودیان و نصاری (طبرانی، 1412ه.ق ، ج5 ،ص315)

حکایت کسانی که قرآن را منفک و جدا جدا نمودند را با توجه به آیه ی ‏« كَما أَنْزَلْنا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ‏ » یعنی یهود و نصاری قابل فهم تر نمودند.

 **2-بیان مصداقی**

بیان مصداقییا جری و تطبیق یکی از روش های تفسیری است که معصوم در آن به ذکر مصادیقی جهت تبیین و تفسیر واژه یا همه ی آیه می پردازد و حکم خدا را در مصداق و نمونه های دیگر جاری و نمایان می سازد. بیان مصداقی دارای انواعی است که با تتبع در روایات تفسیری رسول گرامی اسلام برای هر یک از آنها مثالی ذکر شده است .

1-2بیان مصداق خاص

 نظر مشهور بر شمولیت آیه است «العبرۀ بعموم اللفظ لا بخصوص السبب »( خاکپور ، 1390، ص58 ، زرکشی ، 1391ه.ق ،ص32) اما در برخی از موارد شاهد یک مصداق خاص هستیم و تصور مصادیق دیگر برای آن امکان پذیر نمی باشد .

ابن عباس از رسول الله (ص) نقل می فرمایند :که وقتی آیه ی« قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى»نازل شد ،برخی افراد با مراجعه به ایشان سوال کردند که قالوا: يا رسول اللّه من هؤلاء الذين أمرنا اللّه بمودّتهم؟ قال: عليّ و فاطمة و ابناهما.» «قربی چه کسانی هستند که خداوند اجر و مزد رسالت پیامبرش را نیکی به آن ها قرار داده است ایشان فرمودند‏ : خضرت علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها و پسران آنها (ابو نعیم ،1357ه.ش، ص208 ؛حسکانی ،1411ه.ق ، ج2 ،ص189 ؛ میبدی ،1371ه.ش ، ج9 ، ص5؛ طبرسی ، 1412.ق ، ج4 ، ص48) واژه ی قربی برای عوام ناشناخته بوده که پیامبر عظیم الشان با ذکر یک مصداق خیلی خاص راه را بر شکل گیری معانی و مصداق دیگر می بندد .

رسول بزرگوار اسلام در بیان « اولوالامر » که اطاعت و پیروی از آنها را قرآن در ادامه پیروی از الله و رسولش قرار داده است اینگونه فرموده اند : عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ‏ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ قَالَ هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ بَعْدِي أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَاةِ بِالْبَاقِرِ وَ سَتُدْرِكُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيِّي وَ كَنِيِّي حُجَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتُهُ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ » (مجلسی ، ، ج36 ، ص35) با بیان این معنا از پیامبر رحمت در مورد واژه ی «اولو الامر » امکان تعریف معنایی دیگر وجود نخواهد داشت ، معنا در این مصداق منحصر می شود.

**بیان مصداق عام**

مراد از بیان مصداقی عام این است که برای واژه مصداق ها و نمونه های متعددی قابل قبول باشد . رسول گرامی اسلام به عنوان اولین و برترین مفسر از بسیاری از شیوه های تفسیری بهره گرفته اند که بیان مصداقی از آن دست می باشند .

رسول گرامی اسلام در تفسیر واژه ی «عضین » مصادیقی را ذکر نموده اند ( که به یکی از آنها در موارد پیشین به آن اشاره شد) «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ‏ » «اخرج الطبراني فى الأوسط عن ابن عباس قال سال رجل رسول اللّه صلى اللّه عليه و سلم‏ ....

قال ما عضين قال أمنوا ببعض و كفروا ببعض (طبرانی ، 1412ه.ق ،ج5 ، ص315 ) معنی واژه ی « عضین » روشن است و از عضو عضو کردن ، متفرق و تقسیم کردن چیزی خبر می دهد اما رسول گرامی اسلام گویی با توجه به قابلیت پذیرش این واژه در مصادیق متفاوت آن را گسترش داده اند .

از پیامبر (ص) در بیان معنای حیاة طیبه«فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً» اینچنین تقل شده است « أنها القناعة و الرضا »(طبرسی ،1372ه.ش ،ج6 ،ص593

عایشه رضي اللّه عنها از رسول الله (ص) نقل کرده اند که « قال: وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ‏ قال:«شكركم» (ابن جوزی ،1422ه.ق ،ج4 ص229) باتوجه به آیه ی « لَئِنْ‏ شَكَرْتُمْ‏ لَأَزِيدَنَّكُم‏ » شکر گذاری از نعمت های الهی موجب زیاد شدن رزق و روزی می شود ، پس شکر در طول جذب و دریافت بیشتر نعمت های پروردگار است ، زیر مجموعه قرار گرفتن شکر برای رزق می تواند ، موجب ترادف این دو واژه گردد .

 درباره واژه ی « بشری» در آیه ی «لَهُمُ الْبُشْرى‏ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي الْآخِرَةِ »از رسول خدا (ص) پرسیدند ایشان فرمودند:«الرؤيا الصالحة يراها المؤمن أو ترى له»‏ معنای ظاهری واژه ی بشری روشن و واضح است اما با ارائه معانی دیگر توسط رسول گرامی اسلام دایره مصادیق وسعت می یابد .

 **مصداق اتم**

 مصداق اتم و اکمل به معنای این است که یک واژه یا همه ی آیه قابلیت داشته باشد که علاوه بر مصداقی که جهت آن نازل شده است ، مصادیق دیگری را بپذیرد که از لحاظ درجه و رتبه تفاوت دارند . و به عبارتی دیگر یک یا چند مصداق به واسطه ی برخی فضیلت ها برتر و اعلاتر از سایر مصادیق باشند .

امام صادق علیه السلام در باره ی جریان داشتن قرآن در مصادیق غیر آنچه که به سبب آن نازل شده اند اینچنین می فرمایند : « و لو ان الآية إذا نزلت‏ في‏ قوم‏ ثمّ مات اولئك ماتت الآية لما بقي من القرآن شي‏ء، و لكن القرآن يجرى على آخره ما دامت السماوات و الأرض » (قمی ،1363ه.ش ، ج1 ، ص21) اب: تفسير القمي‏پديدآور: قمى، على بن ابراهيم‏ محقق: موسوى جزايرى، طيب‏ ناشر: دار الكتاب‏ مكان چاپ: ايران- قم‏ سال چاپ: 1363 ه.ش

با توجه به فرمایش امام صادق علیه السلام اگر هرآیه ای از قرآن مربوط به قومی و زمانی بود با از بین رفتن آن قوم در گذر زمان ها آیه نیز از بین می رفت ، اما قرآن جاری است و همیشه نمودهایی برای آن وجوددارد .

در ‏تفسیر شواهد التنزیل در تفسیر واژه ی «هُمُ الْمُفْلِحُونَ‏» ( بقره /5 ) انچنین نقل شده است : عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: قَالَ لِي سَلْمَانُ: قَلَّمَا اطَّلَعْتَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ يَا [أَ] بَا الْحَسَنِ وَ أَنَا مَعَهُ إِلَّا ضَرَبَ بَيْنَ كَتِفَيَّ وَ قَالَ: يَا سَلْمَانُ‏ هَذَا وَ حِزْبُهُ‏ الْمُفْلِحُونَ‏

مفلحان و رستگاران عالم بسیارند که نبی مکرم اسلام برخی از مصادیق آن را بیان می فرمایند( « الْمُفْلِحُونَ‏ هؤلاء أهل‏ الجنة » (سیوطی ، 1404ق ، ج1، ص29)) اما ایشان علاوه بر این مصادیق ، مصداقی را بیان می فرمایند که به لحاظ رتبه و درجه در رتبه ای بالاتر و ممتازتر قرار می گیرد ، و امام علی علیه اسلام را برترین فلاحان عالم بر می شمرد .

یکی از مصادیق اتم و کاملی که در مورد اصطلاح « صالح المومنین »از خاتم النبیین (س) بیان شده است حضرت امیر علیه السلام می باشند :أسماء بنت عميس قالت: سمعت رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و سلّم يقرأ هذه الآية: وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِن‏ ِينَ‏ قال: صالح‏ المؤمنين‏ عليّ‏ بن أبي طالب‏

رسول گرامی اسلام صالح ترین صالحان را علی علیه السلام معرفی می نمایند و با این وصفی که درباره ی ایشان انجام دادند ایشان را در مرتبه ی بالاتر از دیگر صالحان قرار دادند (ابو نعیم ،1406ه.ق ،ص257؛ حسکانی ، 1411ه.ق ،ج2 ،ص344

 در کتب تفسیری شیعه و اهل تسنن ذیل آیه ی «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينُ » روایت «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَظَرَ إِلَى عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَبَكَى- وَ قَالَ: أَنْتُمْ الْمُسْتَضْعَفُونَ بَعْدِي.» از پیامبر (ص) نقل شده است که ایشان امام علی (ع) و اولاد ایشان را به عنوان مصداق تام مظلومان و غریبان عالم معرفی نموده اند ، و این مسئله با نگاه به وقایع و تاریخ و مظلومیت این خاندان بزرگوار که در راس آن مظلومیت ابا عبدالله الحسین علیه السلام قرار دارد ، روشن می شود. (حسکانی ،1411ه.ق ،ج1 ، ص555 ؛فیض کاشانی ،1415ه.ق ،ج4،ص81 ؛قمی مشهدی ، 1368ه.ش ،ج10 ،ص33

**بیان توصیفی توضیحی**

در این شیوه ی تفسیری رسول الله (ص) با بیان اوصاف و یک سری توضیحات ،و اطلاعات در مورد واژ ه ای از آیات به تبیین و تفسیر کلام الله می پردازد

 سیوطی در تفسیر آیه ی « وَ إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحافِظِينَ كِراماً كاتِبِين‏ » از طریق ابن عباس در توصیف و توضیح واژه ی کرام الکاتبین از رسول گرامی اسلام چنین روایات نموده است :

عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه و سلم‏ ان‏ الله‏ ينهاكم‏ عن‏ التعري‏ فاستحيوا من ملائكة الله الذين معكم الكرام الكاتبين الذين لا يفارقونكم الا عند احدى ثلاث حاجات الغائط و الجنابة و الغسل‏ ( 1404ه.ق ،ج1 ،ص323) ایشان با این توصیف که کرام الکاتبین فرشتگانی هستند که در همه حال به جز موارد اندکی شاهد اعمال و رفتار انسان ها هستند ، به معرفی این ملئک می پردازند

حضرت محمد (ص) خنک ترین آب در جهنم را غساق معرفی می کند و ویژگی های آن را اینچنین توضیح و توصیف می نمایند أخرج ابن مردويه عن أبى هريرة عن النبي صلى الله عليه و سلم‏ في قوله«‏ لا يَذُوقُونَ فِيها بَرْداً وَ لا شَراباً إِلَّا حَمِيماً وَ غَسَّاقا

» قال قد انتهى حره‏ وَ غَسَّاقاً قال لقد انتهى برده و ان الرجل إذ أدنى الإناء من فيه سقط فروة وجهه حتى يبقى عظاما تقعقع‏ (سیوطی ،ج1 ،ص308) با شرح و توصیف آبی که بر جهنمیان خورانده می شود بر درجه ی انذار و تهدید در مورد عذاب جهنم افزوده خواهد شد .

 از رسول الله در مورد ویژگی های ملکه ی سباء در ذیل لَقَدْ كانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ (15/سبا) پرسیدند ایشان اینگونه او را وصف نمودند

عن عبد الرحمن بن و علة قال: سمعت ابن عباس يقول: إن رجلا سأل رسول اللّه صلى اللّه عليه و سلم عن سبأ: ما هو أرجل‏ أم‏ امرأة أم‏ أرض‏؟ قال صلى اللّه عليه و سلم: «بل هو رجل ولد له عشرة، فسكن اليمن منهم ستة، و الشام منهم أربعة، فأما اليمانيون، فمذحج و كندة و الأزد و الأشعريون و أنمار و حمير، و أما الشامية: فلخم و جذام و عاملة و غسان» ( ابن کثیر ، 1419ه.ق ، ج6 ، ص445)ابن عباس نقل می کند که فردی در مورد واژه ی « سبا »پرسیدند که ایشان با بیان یک سری اطلاعات و توضیحات این واژه را شرح و تبیین نمودند .

در ذیل آیه ی «إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَر» در شواهد التنزیل اینچنین آمده است که:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ: قَدْ أُعْطِيتُ الْكَوْثَرَ. قُلْتُ: وَ مَا الْكَوْثَرُ قَالَ:

نَهَرٌ فِي‏ الْجَنَّةِ عَرْضُهُ‏ وَ طُولُهُ‏ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، لَا يَشْرَبُ أَحَدٌ مِنْهُ فَيَظْمَأَ، وَ لَا يَتَوَضَّأُ مِنْهُ أَحَدٌ أَبَداً فَيَشْعَثَ‏[[1]](#footnote-1) لَا يَشْرَبُهُ إِنْسَانٌ خَفَرَ ذِمَّتِي‏[[2]](#footnote-2) وَ لَا [مَنْ‏] قَتَلَ أَهْلَ بَيْتِي.( حسکانی ،1411ه.ق ، ج2 ،ص477) ایشان در بیان معنای واژه ی کوثر اینچنین توضیح دادند که رودی است در بهشت که عرض و طولش از شرق تا غرب است ، توضیحات و توصیفاتی که رسول الله (ص) از برخی واژه ها که احیانا دشوار و مورد سوال بوده است موجب رفع ابهام از این واژه ها می شده است

**بیان توسیعی**

گاهی رسول الله در بیان معنای یک مفهوم از توصیف و توضیح معمولی گذر می کردند و دامنه ی شمولیت واژه را گسترش و وسعت می بخشیدند و معنایی دورتر از معنی ظاهری را گزینش می فرمودند این روشی که ایشان اتخاذ می نمودند همان بیان توسیعی می باشد .

در مورد واژه ی سائح در آیه ی ذیل از رسول بزرگوار اسلام (ص) پرسش نمودند :التَّائِبُونَ الْعابِدُونَ الْحامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

 قيل‏: الصائمون؛ و على ذلك روي عن نبي الله صلى اللّه عليه و سلم: «أنه سئل عن السائحين؟

فقال: هم‏ الصائمون‏» و قال: «و سياحة أمتي الصيام (ماتریدی ،1426ه.ق ،ج 5،490) ایشان فرمودند سیر امت من روزه است. فردی که از معنای این واژه پرسیدند بدون شک معنای آن را می دانست اما ارتباط آن را با واژه های که در جوار آن بودند را نمی توانست درک نماید لذا از ایشان سوال کردند ، و نبی مکرم اسلام (ص) با استفاده از امکان توسعه بخشی به کلام از معنای ظاهری « سائح » درگذشتند ، و به معنای اصلی و مقصود یعنی صائمون نائل آمدند .

حویزی در ذیل آیه ی 1سوره ی فاطر به واسطه ی امام رضا علیه السلام از رسول الله (ص) اینچنین نقل کرده است : عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْأَخْبَارِ الْمَجْمُوعَةِ وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: حَسِّنُوا الْقُرْآنَ‏ بِأَصْوَاتِكُمْ‏ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْناً وَ قَرَأَ «يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ.» (فاطر /1) (عروسی حویزی ،1112ه.ق ،ج4 ،ص30) ایشان واژه ی « یزید » را به صوت زیبا درتلاوت قرآن توسعه بخشیده اند

حضرت محمد (ص) « عروه الوثقی » را به انجام اعمالی توسعه بخشده اند که باعث تقویت خود آن« عروه »می شود « روى على بن ابى طالب ع قال- قال رسول اللَّه صلّى اللَّه عليه و آله و سلم‏ «لا يصلح‏ قول و لا عمل و نيّة الّا بالسنة، فاذا عرف اللَّه بقلبه و اقر بلسانه و عمل بجوارحه و اركانه بما افترض عليه و خالف السنة. سنن رسول اللَّه، كان بذلك خارجا من الاسلام، و اذا عرف اللَّه بقلبه و اقرّ بلسانه و عمل بجوارحه و اركانه بما افترض عليه و لم يخالف السنة، سنن رسول اللَّه، كان مؤمنا و ذلك‏ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقى‏ لَا انْفِصامَ لَها » (میبدی ،1371ه.ش ،ج1 ،ص696)

 **بیان تمثیلی و تصویری**

 تمثیل در اصطلاح عبارت است از پدید آوردن مماثلت و مشارکت حداقل میان دو شیء در یکی از اوصاف و ویژگی ها وهدف از آن اظهار مشکل ترین مطالب در قالب روشن ترین عبارات و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است . ( خاکپور ، ‏ 1389ه.ش ،ص57 ، ابن ناقیا ، 1374ه.ش ، ص205)

 رسول الله در بیان تمثیلی با ارائه ی برخی مشترکات حضرت علی علیه السلام را با توجه به شرایط ومردم زمانه ی خودش با حضرت عیسی مسیح تشبیه نموده است «مَا شَبَهَكَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَّا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فِي أُمَّتِهِ-، أَحَبَّهُ قَوْمٌ فَأَفْرَطُوا فِيهِ حَتَّى وَضَعُوهُ حَيْثُ لَمْ يَكُنْ،- فَتَضَاحَكُوا وَ تَغَامَزُوا وَ قَالُوا: شَبَّهَ ابْنَ عَمِّهِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ. قَالَ: فَنَزَلَتْ‏ وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا- إِذا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ‏.»(ابن ابی حاتم، 1419ه.ق ،ج 10 ، ص3396؛ حسکانی ، 1411ه.ق ،ج2 ،ص227)

صاحب کتاب التمهید در ذیل آیه ی « وَ أَقِمِ الصَّلاةَ طَرَفَيِ النَّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَناتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئاتِ ذلِكَ ذِكْرى‏ لِلذَّاكِرِينَ» از رسول خدا (ص) در تفسیر «صلاه» روایتی نقل نموده که به همین روش تشبیه و تمثیل بیان شده است .

قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله: لو كان على باب دار أحدكم نهر فاغتسل في كلّ يوم منه خمس مرّات أ كان يبقى في جسده من الدرن شي‏ء؟ ... قال: فإنّ‏ مثل‏ الصلاة كمثل النهر الجاري، كلّما صلّى العبد صلاة كفّرت ما بينهما من الذنوب‏.(معرفت ،1410ه.ق ، ج6 ،ص282) ایشان برای درک بهتر فواید و آثار نماز آن را به رودی جاری تشبیه نموده اند که عمل به این واجب گناهان را می زداید .

 نام كتاب: التمهيد في علوم القرآن‏ پديدآور: معرفت، محمدهادى‏ تاريخ وفات پديدآور: 1427 ه. ق‏ ناشر: حوزه علميه قم، مركز مديريت‏ مكان چاپ: ايران- قم‏ سال چاپ: 1410 ه. ق‏

از حضرت رسول اکرم (ص) در بیان معنای« دار السلام » ذیل آیه ی 25 سوره ی یونس اینچنین نقل شده است :

 وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلى‏ دارِ السَّلامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشاءُ إِلى‏ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ‏ فقال حدثني جابر رضى الله عنه قال خرج علينا رسول الله صلى الله عليه و سلم يوما فقال انى رأيت في المنام كان جبريل عند رأسي و ميكائيل عند رجلي يقول أحدهما لصاحبه ضرب له مثلا فقال اسمع سمعت أذناك و اعقل عقل قلبك انما مثلك و مثل أمتك كمثل ملك اتخذ دارا ثم بنى فيها بيتا ثم جعل فيها مأدبة ثم بعث رسولا يدعو الناس إلى طعامه فمنهم من أجاب الرسول و منهم من ترك فالله هو الملك و الدار السلام و البيت الجنة و أنت يا محمد رسول فمن أجابك دخل‏(سیوطی ،1404ه.ق ،ج3 ،ص304) رسول گرامی اسلام در معناشناسی واژه ی« دار السلام» از این روش استفاده نموده اند .

 رسول الله درمورد کسانی که رو به نماز می آورند و آن را تلف می کنند مانند حمار می باشند « فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ‏ » رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: لَا تَلْتَفِتُوا فِي صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِمُلْتَفِتٍ وَ قَالَ ص أَ مَا يَخَافُ الَّذِي يُحَوِّلُ وَجْهَهُ فِي الصَّلَاةِ أَنْ يُحَوِّلَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَجْهَ حِمَارٍ. (مجلسی ، ،ج88 ، ص211) و با این تشبیه گویی به نهایت قبح و زشتی کاهلی در نماز اشاره می نماید ، و به این طریق از ترک و کاهلی در نماز هشدار داده اند

**بیان غایی**

در بعضی موارد رسول الله (ص) در بیان معنای واژه ای هدف و غایت آن را مد نظر قرار داده که گاهی آن بیان غایی را به عنوان وعد (تشویقی) و وعید (هشداری) مورد توجه مسلمانان قرار داده است .مانند حدیث ذیل که از حضرت محمد (ص)در مورد آیه ی : « فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَر » در بیان معنای واژه ی « صل »چنین نقل شده است :

 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: افْتِتَاحُ الصَّلَاةِ الطَّهُورُ وَ تَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ وَ تَحْلِيلُهَا التَّسْلِيمُ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاةً بِغَيْرِ طَهُورٍ (مجلسی ، ج88 ،ص223) که در این حدیث حضرت غایت و نهایت نماز خواندن را طهارت روحی و جسمی معرفی می کند و از این طریق به فریضه ی واجب نماز تشویق می نمایند.

در ذیل آیه 14 حجرات « لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمانُ فِي قُلُوبِكُمْ.» درباره ی معنای واژه ی ایمان چنین آمده است

أمير المؤمنين صلوات اللّه و سلامه عليهم قال: قال رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله و سلم الإيمان‏ إقرار باللسان‏ و معرفة بالقلب و عمل بالأركان‏ ( منسوب به امام حسین علیه السلام ، 1430 ، ص273) در این حدیث سیر تکامل و دستیابی به ایمان را با ترتیب خاصی بیان می آید که گذراندن این مراحل جهت دستیابی به ایمان واقعی لازم و ضروری می باشد

اما گاهی هم مراحلی که جهت رسیدن به یک مرتبه عالیه (غایتی ) مورد نیاز است را بیان می کند تا با ذکر مراحل به دشواری رسدن به غایت و هدف را مورد توجه قرار می دهد (اگر درس بخوانیم موفق می شویم ) حسکانی ذیل آیه ی 12 سوره ی حاقه از رسول الله (ص) چنین روایتی نقل نموده است :عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أُدْنِيَكَ وَ لَا أُقْصِيَكَ-، وَ أَنْ أُحِبَّكَ وَ أُحِبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَ أَنْ أُعَلِّمَكَ وَ تَعِيَ وَ حَقٌ‏ عَلَى‏ اللَّهِ‏ أَنْ‏ تَعِيَ‏ فَأَنْزَلَ اللَّهُ‏ وَ تَعِيَها أُذُنٌ واعِيَةٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَجْعَلَهَا أُذُنَكَ يَا عَلِيُّ. قَالَ عَلِيٌّ: فَمُنْذُ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ، مَا سَمِعَتْ أُذُنَايَ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ وَ الْعِلْمِ وَ الْقُرْآنِ إِلَّا وَعَيْتُهُ وَ حَفِظْتُهُ.

(حسکانی ،1411ه.ق ، ج2 ، ص377)

يا على! خداى بزرگ به من فرمان داد، تو را به خويشتن نزديك سازم و لحظه‏اى از خود دور نكنم، دوستدار تو را دوست بدارم، تو را علم و حكمت بياموزم تا گوش تو شنوا گردد، و خداى توانا نيز چنين كرد و گوش تو را شنوا گردانيد. پس خداى سبحان آيه شريفه‏ وَ تَعِيَها أُذُنٌ واعِيَةٌ را نازل كرد. آن گاه مصطفى صلى اللَّه عليه و آله خطاب به على بن ابى طالب عليه السّلام فرمود: يا على! از پروردگارم خواستم، گوش تو را از گوشهاى شنوا و أُذُنٌ واعِيَةٌ قرار دهد.

امام علی (ع) فرمودند : پس از نزول آيه شريفه و دعاى خير مصطفى صلى اللَّه عليه و آله در حقّ من، هر چيزى از خير و علم و قرآن به سمع و اذن من اصابت كرد همه را ضبط و ثبت كردم و هرگز فراموش نكردم.

با عنایت و موهبتی که رسول گرامی اسلام به امر الهی در حق علی علیه السلام انجام دادند ایشان به درجه ی باب علم الهی نائل شدند

**بیان تأویلی و باطنی**

تاویل در سیره ی رسول گرامی اسلام عبارت است از پرده برداری از یک حقیقتی مضمر که در نهان و باطن یک آیه است و در علم الهی و لدنی آن حضرت قرار دارد آن طور که خداوند در قرآن از اختصاص این علم بعد از خودش به رسول اکرم و راسخان در علم که در واقع همان عترت ایشان هستند ، سخن به میان می آورد .

به عبارت دیگر گاهی ایشان در بیان و تفسیر واژه ای از معنای ظاهر و راجح یک آیه در می گذشتند و معنایی ورای آنچه که آیه در آن ظهور داشت و در واقع مقصود اصلی و حقیقی کلام خداوند بود ، را بیان می فرمودند

ایشان در تفسیر روح آن را از سربازان الهی می داند و اینگونه می فرمایند : الروح‏ جند من‏ جنود الله‏ ليسوا بملائكة لهم رؤوس و أيد و أرجل، ثم قرأ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا قال: هؤلاء جند و هؤلاء جند» روح را ملائکه ای می خواند که دارای اعضا و جوارح هستند و سپس آیه« يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا » را قرائت نمودند و فرمودند آنها سربازان الهی هستند که با این تفسیر از معنای ظاهری روح که موجودی است که از بعد جسمانی و محدودیت های آن مبرا می باشد در می گذرد و آن را دارای اعضای جسمانی مثل دست ، پا و...معرفی می نماید و به این طریق صفاتی را به یک شی و یا جسم وموجودی می دهد که امکان تبلور آن صفات برای آن موصوف وجود ندارد.

(ابن ابی حاتم ، 1419ه.ق ،ج10 ، ص 3396)

سلمان در تفسیر آیه ی 22 الرحمن پس از آنکه خود برخی مصادیق واژگان را با استفاده از تاویل آیات از ظاهر به باطن انجام داده است یکی از این موارد را به قول حضرت رسول (ص) بیان نموده است که به همان روش خود سلمان می باشد سَلْمَانَ‏ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: مَرَجَ‏ الْبَحْرَيْنِ‏ يَلْتَقِيانِ‏ قَالَ: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ، بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ‏ قَالَ: النَّبِيُّ ص‏ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ‏ قَالَ: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ع. (حسکانی ، 1411ه.ق ، ج2 ، ص285) ایشان واژه های « لُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ » را به حسنین علیه السلام تاویل برده اند .

در تفسیر واژه ی «طوبی» از رسول الله (ص) چنین روایت شده است سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عَنْ قَوْلِهِ [تَعَالَى‏]: (طُوبى‏ لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ) فَقَالَ: [طُوبَى‏] شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِي وَ فَرْعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ.

فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْنَاكَ عَنْهَا فَقُلْتَ: [هِيَ‏] شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي دَارِي وَ فَرْعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ. ثُمَّ سَأَلْنَاكَ عَنْهَا فَقُلْتَ: [هِيَ‏] شَجَرَةٌ فِي‏ الْجَنَّةِ أَصْلُهَا فِي‏ دَارِ عَلِيٍّ وَ فَرْعُهَا عَلَى أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ: إِنَّ دَارِي وَ دَارَ عَلِيٍّ غَداً وَاحِدَةٌ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ.(حسکانی ،1411ه.ق ،ج1،ص396؛ثعلبی ،1422ه.ق،ج5،ص291)

**نتیجه**

با بررسی روایات تفسیری رسول الله (ص) در منابع تفسیری فریقین مشخص می شود که ایشان با بیان انواع شیوه های تفسیری از جمله تفسیر واژه ای قصد تفهیم و تبیین آیات الهی را داشته اند ، که این مهم گاهی از اوقات با بیان ظاهری و در موقعیت هایی دیگر با جری وتطبیق یا مصداق یابی صورت می گرفته است .

و زمانی دیگر با بیان مثالی ساده در پی بیان مفهوم واژگان مشکل بودند و همچنین از روش های دیگر تفسیری از قبیل توضیح و توصیف ، بیان توسیعی ، بیان غایی و باطنی بهره گرفته اند ، تا به وظیفه ی که بر عهده ی ایشان می باشد یعنی تبیین آیات قرآنی جامه ی عمل پوشانند و پیغام الهی را با توجه به فضای حاکم بر جامعه ، متناسب با سطح درک مخاطب و اقشار مختلف از مخاطبین به جامعه تزریق نمودند .

منابع

(مرتب نشده است )

( التفسير( تفسير العياشي) پديدآور: عياشى، محمد بن مسعود محقق: رسولى، هاشم‏ ناشر: مكتبة العلمية الاسلامية مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1380 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

‏نام كتاب: تفسير نور الثقلين‏ پديدآور: حويزى، عبدعلى بن جمعه‏ مصحح: رسولى، هاشم‏ ناشر: اسماعيليان‏ مكان چاپ: ايران- قم‏ سال چاپ: 1415 ه. ق‏نوبت چاپ: 4

( البرهان في تفسير القرآن‏ پديدآور: بحرانى، هاشم بن سليمان‏ تاريخ وفات پديدآور: 1107 ه. ق‏ محقق: بنياد بعثت، واحد تحقيقات اسلامى‏ ناشر: موسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية مكان چاپ: ايران- قم‏ سال چاپ: 1415 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

(بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار( عليهم السلام) پديدآور: مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى‏ محقق: علوى، عبدالزهراء محقق: محمودى، محمدباقر، متوفاى 1357 ه. ش. ناشر: دار إحياء التراث العربي‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ نوبت چاپ: 1)

 ( جامع البيان فى تفسير القرآن( تفسير الطبرى) پديدآور: طبرى، محمد بن جرير ناشر: دار المعرفة مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1412 ه. ق نوبت چاپ: 1) كتاب: التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم( الطبرانى)

التفسیر الکبیر تفسیر القران العظیم الطبرانی، طبرانى، سليمان بن احمد ناشر: دار الكتاب الثقافي‏ مكان چاپ: اردن- اربد سال چاپ: 2008 م‏ نوبت چاپ: 1

(تفسير القرآن العظيم( ابن كثير)پديدآور: ابن‏كثير، اسماعيل بن عمر محقق: شمس‏الدين، محمد حسين‏ ناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1419 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

 ( تفسير القرآن العزيز المسمّى تفسير عبدالرزاق‏ پديدآور: صنعانى، عبدالرزاق بن همام ناشر: دار المعرفة مكان چاپ: لبنان- بيروت‏سال چاپ: 1411 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

 ام كتاب: زاد المسير فى علم التفسير پديدآور: ابن‏جوزى، عبدالرحمن بن على‏ محقق: مهدى، عبد الرزاق‏ناشر: دار الكتاب العربي‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1422 ه. ق‏نوبت چاپ: 1

 نام كتاب: تفسير الثعالبى المسمى بالجواهر الحسان فى تفسير القرآن‏ پديدآور: ثعالبى، عبدالرحمن بن محمدمحقق: عبدالموجود، عادل احمد محقق: ابو سنه، عبد الفتاح‏ محقق: معوض، على محمدناشر: دار إحياء التراث العربي‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1418 ه. ق نوبت چاپ: 1

نام كتاب: تفسير الشعراوى‏ پديدآور: شعراوى، محمد متولى‏ تاريخ وفات پديدآور: 1998 م ناشر: اخبار اليوم، ادارة الكتب و المكتبات‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1991 م‏ نوبت چاپ: 1

: التفسير الحديث: ترتيب السور حسب النزول‏ ج 2ص199پديدآور: دروزه، محمد عزه‏ تاريخ وفات پديدآور: 1404 ه. ق‏ناشر: دار الغرب الإسلامي‏مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1421 ه. ق‏نوبت چاپ: 2

م كتاب: التفسير المظهرى‏ج2ص25پديدآور: پانى‏پتى، ثناءالله‏ تاريخ وفات پديدآور: 1225 ه. ق ناشر: مكتبة رشديه‏ مكان چاپ: پاكستان- كويته‏ سال چاپ: 1412 ه. ق‏نوبت چاپ: 1

 م كتاب: تفسير الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل‏پديدآور: خازن، على بن محمد تاريخ وفات پديدآور: 741 ه. ق‏مصحح: شاهين، عبدالسلام محمد على‏ ناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1415 ه. ق‏نوبت چاپ: 1

 تاب: الجامع لأحكام القرآن‏پديدآور: قرطبى، محمد بن احمد تاريخ وفات پديدآور: 671 ه. ق‏ناشر: ناصر خسرو مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1364 ه. ش‏ نوبت چاپ: 1

 نام كتاب: متشابه القرآن‏پديدآور: قاضى عبدالجبار بن احمد تاريخ وفات پديدآور: 415 ه. ق‏محقق: زرزور، عدنان محمد ناشر: مكتبة دار التراث‏ مكان چاپ: مصر- قاهره‏ نوبت چاپ: 1

 (ام كتاب: جامع البيان فى تفسير القرآن( تفسير الطبرى) پديدآور: طبرى، محمد بن جريرتاريخ وفات پديدآور: 310 ه. ق‏ ناشر: دار المعرفة مكان چاپ: لبنان- بيروت‏سال چاپ: 1412 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

(م كتاب: الدر المنثور فى التفسير بالماثور پديدآور: سيوطى، عبدالرحمن بن ابى‏بكر تاريخ وفات پديدآور: 911 ه. ق‏ ناشر: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى( ره) مكان چاپ: ايران- قم‏ سال چاپ: 1404 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

 م كتاب: موسوعة القرآن العظيم‏ پديدآور: حفنى، عبدالمنعم‏ ناشر: مكتبة مدبولي‏ مكان چاپ: مصر- قاهره‏ سال چاپ: 2004 م‏ نوبت چاپ: 1ملاحظات: علوم قرآنى‏

التفسير المظهرى‏پديدآور: پانى‏پتى، ثناءالله‏ تاريخ وفات پديدآور: 1225 ه. ق‏ ناشر: مكتبة رشديه‏مكان چاپ: پاكستان- كويته‏سال چاپ: 1412 ه. ق‏نوبت چاپ: 1

نام كتاب: النور المشتعل من كتاب ما نزل من القرآن فى على عليه السلام‏ پديدآور: ابونعيم، احمد بن عبدالله‏ مقدمه‏نويس: محمودى، محمدباقر، متوفاى 1357 ه. ش.ناشر: ايران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى. سازمان چاپ و انتشارات‏ مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1406 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

 : شواهد التنزيل لقواعد التفضيل‏ پديدآور: حسكانى، عبيدالله بن عبدالله‏ تاريخ وفات پديدآور: 490 ه. ق‏ محقق: محمودى، محمدباقر، متوفاى 1357 ه. ش. ناشر: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1411 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

 : كشف الاسرار و عدة الابرار( معروف به تفسير خواجه عبدالله انصارى) پديدآور: ميبدى، احمد بن محمد تاريخ وفات پديدآور: 530 ه. ق‏ اهتمام: حكمت، على اصغر ناشر: امير كبيرمكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1371 ه. ش‏ نوبت چاپ: 5

ام كتاب: تفسير جوامع الجامع‏ پديدآور: طبرسى، فضل بن حسن‏ تاريخ وفات پديدآور: 548 ه. ق‏ مصحح: گرجى، ابوالقاسم‏ ناشر: حوزه علميه قم، مركز مديريت‏مكان چاپ: ايران- قم‏سال چاپ: 1412 ه. ق‏نوبت چاپ: 1

 تاب: الكشف و البيان المعروف تفسير الثعلبي‏ پديدآور: ثعلبى، احمد بن محمد تاريخ وفات پديدآور: 427 ه. ق‏ محقق: ابن عاشور، ابى محمد مراجعه و تدقيق: ساعدى، نظير ناشر: دار إحياء التراث العربي‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1422 ه. ق‏نوبت چاپ: 1

 م كتاب: اعراب القراءات السبع و عللها پديدآور: ابن‏خالويه، حسين بن احمد تاريخ وفات پديدآور: 370 ه. ق‏ ناشر: مكتبة الخانجي‏ مكان چاپ: مصر- قاهره‏ سال چاپ: 1413 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1‏

 م كتاب: الدر المنثور فى التفسير بالماثور پديدآور: سيوطى، عبدالرحمن بن ابى‏بكرتاريخ وفات پديدآور: 911 ه. ق‏زبان: عربى‏ تعداد جلد: 6ناشر: كتابخانه عمومى حضرت آيت الله العظمى مرعشى نجفى( ره)مكان چاپ: ايران- قم‏ سال چاپ: 1404 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

 نام كتاب: تفسير فرات الكوفي‏ پديدآور: كوفى، فرات بن ابراهيم‏ تاريخ وفات پديدآور: 307 ه. ق‏ محقق: كاظم، محمد ناشر: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1410 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

 نام كتاب: تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة پديدآور: استرآبادى، على‏ تاريخ وفات پديدآور: 940 ه. ق‏ محقق: استاد ولى، حسين ناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي‏ مكان چاپ: ايران- قم‏ سال چاپ: 1409 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

 مجمع البيان في تفسير القرآن‏ پديدآور: طبرسى، فضل بن حسن‏ تاريخ وفات پديدآور: 548 ه. ق‏ مصحح: يزدى طباطبايى، فضل‏الله‏ مصحح: رسولى، هاشم‏ ناشر: ناصر خسرومكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1372 ه. ش‏نوبت چاپ: 3

تاب: زاد المسير فى علم التفسير پديدآور: ابن‏جوزى، عبدالرحمن بن على‏تاريخ وفات پديدآور: 597 ه. ق‏ محقق: مهدى، عبد الرزاق‏ناشر: دار الكتاب العربي‏مكان چاپ: لبنان- بيروت‏سال چاپ: 1422 ه. ق‏نوبت چاپ: 1

(تفسير القرآن العظيم( ابن ابى حاتم) ج6ص1965پديدآور: ابن‏ابى‏حاتم، عبدالرحمن بن محمد محقق: طيب، اسعد محمد ناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز مكان چاپ: عربستان- رياض‏سال چاپ: 1419 ه. ق)

(كتاب: تفسير التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشورج11ص125پديدآور: ابن‏عاشور، محمدطاهرناشر: مؤسسة التاريخ العربي‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1420 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

(م كتاب: التفسير و المفسرون في ثوبة القشيب‏ پديدآور: معرفت، محمدهادى‏ناشرج1 ص191: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية مكان چاپ: ايران- مشهد مقدس‏ سال چاپ: 1418 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

(نام كتاب: التفسير المظهرى‏ پديدآور: پانى‏پتى، ثناءالله‏ تاريخ وفات پديدآور: 1225 ه. ق‏ ناشر: مكتبة رشديه‏ مكان چاپ: پاكستان- كويته‏ سال چاپ: 1412 ه. ق‏نوبت چاپ: 1)

م كتاب: النور المشتعل من كتاب ما نزل من القرآن فى على عليه السلام‏پديدآور: ابونعيم، احمد بن عبدالله‏ تاريخ وفات پديدآور: 430 ه. ق ناشر: ايران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى. سازمان چاپ و انتشارات‏مكان چاپ: ايران- تهران‏سال چاپ: 1406 ه. ق‏نوبت چاپ: 1‏

ام كتاب: شواهد التنزيل لقواعد التفضيل‏ پديدآور: حسكانى، عبيدالله بن عبدالله‏ تاريخ وفات پديدآور: 490 ه. ق‏ محقق: محمودى، محمدباقر، متوفاى 1357 ه. ش. ناشر: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مؤسسة الطبع و النشر مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1411 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

 نام كتاب: تفسير الصافي‏ پديدآور: فيض كاشانى، محمد بن شاه مرتضى‏ تاريخ وفات پديدآور: 1091 ه. ق‏ مقدمه و تصحيح: اعلمى، حسين‏ ناشر: مكتبة الصدر مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1415 ه. ق‏ نوبت چاپ: 2

م كتاب: تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب‏ پديدآور: قمى مشهدى، محمد بن محمدرضا تاريخ وفات پديدآور: 1125 ه. ق‏ محقق: درگاهى، حسين‏ ناشر: ايران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى. سازمان چاپ و انتشارات‏ مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1368 ه. ش‏ نوبت چاپ:1

 م كتاب: الإتقان في علوم القرآن‏ پديدآور: سيوطى، عبدالرحمن بن ابى‏بكر تاريخ وفات پديدآور: 911 ه. ق‏ محقق: زمرلى، فواز احمد ناشر: دار الكتاب العربي‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1421 ه. ق‏ نوبت چاپ: 2

‏ ام كتاب: تأويلات أهل السنة( تفسير الماتريدى) پديدآور: ماتريدى، محمد بن محمد تاريخ وفات پديدآور: 333 ه. ق‏ محقق: باسلوم، مجدى‏ ناشر: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون‏ مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1426 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

 م كتاب: تفسير القرآن الكريم( ثمالي)پديدآور: ابوحمزه ثمالى، ثابت بن دينار تاريخ وفات پديدآور: 150 ه. ق‏ مراجعه: معرفت، محمدهادى، متوفاى 1427 ه. ق. گردآورنده: حرز الدين، عبد الرزاق محمد ناشر: دار المفيد مكان چاپ: لبنان- بيروت‏ سال چاپ: 1 420 ه. ق‏ نوبت چاپ: 1

نام كتاب: الجامع لأحكام القرآن‏ پديدآور: قرطبى، محمد بن احمد تاريخ وفات پديدآور: 671 ه. ق‏ ناشر: ناصر خسرو مكان چاپ: ايران- تهران‏ سال چاپ: 1364 ه. ش‏نوبت چاپ: 1

نام كتاب: تفسير الامام الحسين عليه السلام التفسير الاثري التطبيقي‏ پديدآور: حسين بن على( ع)، امام سوم‏تاريخ وفات پديدآور: 61 ه. ق‏ محقق: حلو، محمد على‏ ناشر: العتبة الحسينية المقدسة، قسم الشؤون الفكرية و الثقافية مكان چاپ: عراق- كربلاى معلى‏سال چاپ: 1430 ه. ق‏

1. [↑](#footnote-ref-1)
2. [↑](#footnote-ref-2)